

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره یی

به هزار سال تاریخ

مبارزه فرهنگی

(۴۷)

اسماعیل وفا یغمایی
۶ - شاه صفی، ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ هجری
. چهار پسر شاه عباس در دوران خود او
یا مقتول و یا کور شده بودند و شاه
عباس در هنگام مرگ سام میرزا پسر
صفی میرزا را به عنوان ولیعهد معرفی
کرد و سام میرزا با عنوان شاه صفی
در هفده سالگی بر تخت سلطنت
نشست. او اگر چه کفایت و کاردانی
شاه عباس را نداشت ولی در بیرحمی و
خشونت گوی سبقت را از شاه عباس
ربود. کشتار شمار زیادی از شاهزادگان
و فرماندهان لایق دوران شاه عباس و
قتل شماری از زنان حرم از زمره
کارهای اوست. کور کردن از شیوه های
او بود و ماهی نمی گذشت که چندین
نفر به دستور او کور شوند. در زمان او
ایران آماج حملات مجدد دولت
عثمانی، شورشهای گرجیان و امثالهم
گردید و ویرانی و نا امنی و قتل و
غارغارت بخشهای گسترده ای از ایران را
در کام خود کشید و بخشهایی از ایران
از دست رفت. شاه صفی شرابخواری
کم نظیر بود و سرانجام بر اثر افراط در
شرابخواری در مراجعت از زیارت
مشهد، در کاشان در دوازده صفر
۱۰۵۲ هجری مطابق با یازدهم ماه مه
سال ۱۶۴۲ میلادی مرد و جسد او را
به قم برده و در آنجا دفن کردند.

۷ - شاه عباس دوم ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷
هجری. پس از شاه عباس دوم پسر نه
ساله اش عباس میرزا به نام شاه عباس
دوم زمام امور ایران را در دست گرفت.
دادن تخفیف مالیاتی به مردم، جنگ با
پادشاهان گورکانی هندوستان،
سختگیری در امر به معروف و نهی از
منکر و بستن مراکز شراب فروشی،
بنای مساجد و عمارات فراوان و
نزدیکی با آخوندها از مختصات دوران
حکومت اوست. نمونه هایی از
رفتارهای خشن و قساوت بار او با زنان
از جمله زنده زنده سوزاندن یکی از
زنان حرم در بخاری دیواری در اسناد
تاریخی دوران او موجود است. با تمام
سختگیریهای شاه عباس دوم در مورد
امر به معروف و نهی از منکر، شاردن
در سفر نامه خود اشاره می کند که زنان
روسی در اصفهان سالیانه به طور
مجموع هشت هزار تومان مالیات
می پردازند و تعداد زیادی از پسران زیبا

روی ده تا شانزده ساله در قهوه خانه ها
به جلب مشتری مشغولند.
از جمله آخوندهای مشهور عهد او ملا
محمد باقر مجلسی، ملا محسن فیض،
ملا حسین خوانساری و ملا خلیل
قزوینی از بزرگان دنیای شیعه رسمی
اند. عالی قاپو، باغ سعادت، چهل
ستون و پل خواجو در زمان او ساخته
شد.

شاه عباس دوم سرانجام در سن سی و
پنج سالگی به علت افراط در باده
گساری - یا به اشاره شاردن به علت
آمیزش با زنان تن فروش و مبتلا شدن
به بیماری مقاربتی - در شب بیست و
سوم ربیع الاول سال ۱۰۷۷ هجری
مطابق با بیست و دوم سپتامبر سال
۱۶۶۶ میلادی در هنگام سفر برای
زیارت مشهد در گذشت و در قم مدفون
شد.

۸ - شاه سلیمان - صفی میرزای دوم
- ۱۰۷۷ - ۱۱۰۶ هجری - . صفی میرزا
شاهزاده ای دو رگه و مادرش از زنان
چرکس بود. شاه سلیمان در دوران
حیات پدرش منفور او بود و در حرم
تحت نظر و زندانی بود. او با کمک آغا
مبارک، خواجه باشی مقتدر حرم،
برادرش حمزه میرزا را که ولیعهد بود
کنار زد و در بیست سالگی بر تخت
سلطنت نشست.

صفی میرزا که با عنوان شاه سلیمان بر
تخت نشست اغلب اوقات خود را در
حرمسرا و در مجالست زیبا رویان حرم
می گذرانید. وسعت حرمسرای شاه
سلیمان که در مجاورت مسجد شاه قرار
داشت سه هزار پای مربع بود. لشکری
از مهترها، خواجهگان سیاه پوست و
سپید پوست، کنیزها و جاسوسان درون
حرم رتق و فتق امور را بر عهده
داشتند. سولگیها و زنان مورد توجه شاه
در اتاقهایی مناسب زندگی می کردند و
زنان از دور خارج شده و بیمار در دخمه
هایی کوچک و شرابی نامناسب در
انتظار مرگ روزگار می گذرانیدند. در
زیر زمینهای حرمسرا شاهزادگان کور و
کسانی که شاه آنها را برای سلطنت
خود خطرناک می دانست زندانی بودند.

در عهد شاه سلیمان حرمسرا به طور
مستمر از دختران بزرگان، کنیزان
خریداری شده و دخترانی که توسط
ماموران مخصوص شاه برده می شدند
تغذیه می شد. از زمره مآخذی که در
این زمینه می توان به آن رجوع کرد
یاداشتهای انگلبرت کمپفر آلمانی ست
که به عنوان طیب از نزدیک شاهد
وضعیت دوران شاه سلیمان بوده است.
در حرم شاه سلیمان به نقل از
یاداشتهای سانسون هشتصد زن روزگار
می گذرانیدند.

در دوران شاه سلیمان اجرای حدود و
قوانین شرع اوج تازه ای گرفت این
قوانین به ویژه در رابطه با زنان و
خطاهای اخلاقی و جنسی بسیار
بیرحمانه عمل می کرد. بر اساس این
قوانین زانی که نسبت به شوهر خود
وفاداری اخلاقی نداشتند با فتوی
آخوندها و توسط جلالدان از بالای مناره
های مساجد به پائین پرت می شدند.
دختران خطاکار با سر تراشیده شده و
در حالی که بر سر و صورتشان مدفوع
مالیده شده بود وارونه بر الاغ نشانده
می شدند و در کوچه ها و خیابانها در
معرض تماشای عموم قرار می گرفتند.
بریده شدن سر زنی خطاکار توسط
برادرش به عنوان عملی قهرمانانه و
افتخار آمیز تلقی می شد و توسط
دستگاه مذهبی و دولت مورد تشویق
قرار می گرفت. یاداشتهای سانسون
یکی دیگر از ناظران دوران صفوی
نمونه های تکان دهنده ای از این نوع
مجازاتها را ثبت کرده است.

شاه سلیمان بسیار بیرحم و خونریز
بود. در زمان او قدرت آخوندها افزایش
یافت و جایگاه ملایان دربار از سمت
چپ تخت سلطنت به سمت راست
منتقل شد. محقق خوانساری آخوند
نامدار شیعه از نزدیکان و مقربان شاه
سلیمان بود و هر زمان شاه به سفر
می رفت نیابت سلطنت را بر عهده
داشت.

۹ - شاه سلطان حسین صفوی ۱۱۰۶
- ۱۱۳۵ هجری. شاه سلطان حسین
در سن بیست و شش سالگی میراث دار
سلطنت صفوی شد. تمام عمر او تا این
هنگام در درون حرمسرا و در کنار زنان
حرم سپری شده بود.

به گفته مورخان شاه سلطان حسین
فردی طلبه مسلک بود و به دلیل تن
پروری و اعتقاد به خرافات از دوره
نوجوانی به لقب «ملا حسین» مفتخر
شده بود. این شاه آخوند مسلک
اشتهای سیری ناپذیری به زنان
داشت. حرمسرای دربار در دوران شاه
سلطان حسین وسعتی سه برابر یافت و
قریب به هزار زن از کشورها و نژادهای
مختلف در حرمسرای او شبها و
روزهای عیش و عشرت شاه را رونق
می بخشیدند.

شاه سلطان حسین در همان اوایل
سلطنتش سیستم عریض و طویلی به
راه انداخت و ماموران مخفی خود به
خصوص زنان جاسوس را به اطراف و
اکتاف روانه کرد تا هرجا زن و دختر
زیبائی می یابند معرفی، و روانه
حرمسرای وی کنند، در این میان زنان
شوهر دار نیز از کامجوییهای شاه در
امان نبودند و شوهران آنان مجبور
بودند برای مدتی زن خود را طلاق

گویند تا آخرین پادشاه صفوی مدتی با
او به سر ببرد و اگر او را طلاق گفت
دوباره خانه و خانواده خود را تشکیل
دهند. «رستم التواریخ» تالیف رستم
الحکما، یکی از مأخذ جالب تاریخ
ایران، نمونه های شگفتی از زندگی
افسانه ای شاه سلطان حسین را ثبت
کرده است.

او در قصر خود ساختمانی به نام «لذت
خانه» داشت که به گفته نویسنده رستم
التواریخ در طول سلطنت خود سه
هزار زن و دختر را به این مکان کشاند.
در جنب «لذت خانه» آزمایشگاه و
داروخانه مخصوصی ایجاد شده بود که
پزشکان مختلف برای ازدیاد قدرت
جنسی شاه مشغول کشف و ساختن
داروهای جدید بودند.

شاه سلطان حسین علاقه عجیبی به
خر سواری و جفت گیری الاغها داشت
و هر سال بهار با اهل حرم خود به
تماشای جفت گیری الاغها می رفت.

به تبعیت از رفتار و اخلاقیات شاه،
دربار چنان غرق فساد بود که در درون
و بیرون دربار کسی از دست تجاوزات
نزدیکان شاه در امان نبود. در بیرون،
به تکرار، زنان و کودکان مردم توسط
نزدیکان شاه، قزلباشان و لوطیان
وابسته به دربار و روحانیت ربوده شده و
به روایت «رستم التواریخ» گاه در
کوچه و بازار و در برابر چشم مردم
مورد تجاوز قرار می گرفتند.

در درون دربار حتی سفیران نگونبخت
سایر کشورها گاه از تهاجم سرداران
شاه به خوابگاهشان در امان نبودند. از
زمره این سفیران. ایلچی جوان دولت
روم عمر آقا که چهره ای زیبا داشت
در خوابگاهش مورد هجوم و تجاوز
مکرر سرهنگان دربار قرار گرفت.
تعدی و تجاوز به سفرای سایر کشورها
آنچنان مکرر شد که رفت و آمد
سفیران در وحشت از تجاوزات سران
سپاهی و زور آوران فاسد دربار متوقف
گردید. به راستی باید متون تاریخی
باقی مانده از آن دوران پر ادبار را
مطالعه کرد و اندیشید که، در دورانی
که ناقوس بیداری و رنسانس در اروپا
به صدا در آمده بود و جهان کهن
می رفت که با تلاشهای اندیشمندان و
متفکران از خواب کهن بر خیزد، در
ایران کهن سال به مدد سیاهکاریهای
سلطنت پوسیده و مذهب ارتجاعی، چه
مردابی فراهم شده بود و چگونه یک
دولت و به تبع آن یک مملکت رو به
قهقرا می رفت و به گردابه های خطر
نزدیک می شد.

بقیه در صفحه ۱۶